

# راهکارهای وحدت جهان اسلام

## از دیدگاه امام خمینی ره و سیدجمال‌الدین \*

احمد سعادت \*\*

### چکیده

همگرایی و وحدت امت اسلام یکی از اصول مسلم اسلامی است، ولی متأسفانه به دلایلی و تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی، این اصل اصیل اسلامی که در متون دینی ما بدان توصیه و تأکید فراوان شده است، در بسیاری اوقات مورد غفلت قرار گرفته و گاهی حتی خلاف آن عمل شده است. لذا رسیدن به این اصل اسلامی در طول تاریخ یکی از آمال و آرزوهای دیرین نخبگان و اندیشمندان اسلامی بوده است و فرهیختگان امت اسلام برای تحقق آن راهکارهای مؤثری ارائه داده‌اند. در این نوشتار مهم‌ترین راهکارهای وحدت اسلامی در گفتار، نوشتار و رفتارهای وحدت‌بخش دو اندیشمند مصلح جهان اسلام، امام خمینی ره و سیدجمال‌الدین ره مورد کاوش قرار گرفته و بازخوانی شده است.

**واژه‌های کلیدی:** وحدت، مسلمانان، عالمان دینی، امام خمینی ره، سیدجمال‌الدین ره، تقریب، تفرقه.

## درآمد

در زمینه همگرایی و وحدت جهان اسلام، عناوین متعددی قابل بحث و تأمل است. عوامل همگرایی، موانع وحدت و همگرایی، زمینه‌ها و محورهای وحدت و... از آن جمله‌اند. از جمله عناوین مهمی که محل تأمل بیشتر است و کارایی مؤثرتری نیز دارد، راهکارهای همگرایی است. در این گفتار به طور فشرده دیدگاه‌های دو وحدت‌گرای برجسته اسلامی را در مورد راهکارهای وحدت و همگرایی، بازخوانی می‌کنیم: سیدجمال‌الدین بنیانگذار این حرکت و جریان محسوب می‌شود و عمر پر برکتی را در این زمینه صرف کرده و نظام اندیشه خود را در این باب شکل بخشیده است. رهبر فقید انقلاب اسلامی نیز بزرگ‌ترین انقلاب اسلامی را در جهان به ثمر نشانده و آن نظام وحدت‌گرا را با حرکت الهی و اسلامی خود به منصف ظهور و تحقق رسانده است.

### راهکارهای وحدت از دیدگاه سیدجمال‌الدین

سیدجمال‌الدین بدون شک از پیشگامان و منادیان همگرایی جهان اسلام، بلکه بنیانگذار آن محسوب می‌شود، چنان که رشید رضا در مجله *المنازل*، ذیل عنوان «بحث فی المؤتمر الاسلامی» می‌نویسد:

اول صوت سمعناه فی هذا العصر يدعو المسلمین الی التعارف  
والاتحاد والتعاون فی الرأی والسعی علی تدارک ما حل بالمسلمین من  
الرزایا الاجتماعیه... هو صوت الحكمین جمال الدین والشیخ محمد عبده  
رحمهما الله تعالی<sup>۱</sup>.

نخستین فریادی که در این عصر مسلمانان را به شناخت یکدیگر و اتحاد و همکاری در رأی و کوشش برای جبران آنچه بر مسلمانان عارض شده از گرفتاریهای اجتماعی، دعوت می‌کرد، فریاد دو دانشمند مبارز، سیدجمال‌الدین و شیخ محمد عبده بود، رحمت خدای بزرگ بر آن دو باد.

او یکی از نخستین کسانی است که راه چاره نابسامانیهای ممالک و کشورهای اسلامی را در اتحاد و همبستگی جهان اسلام در برابر استعمارگران می‌دانست و در این راه به تلاش و کوشش بسیار دست زد. خود در این باره می‌فرماید:

فالشرق الشرق، فخصصت جهاز دماغی لتشخیص دائه، وتحیری  
دوائه، فوجدت أقتل ادوائه داء انقسام اهله، وتشتت آرائهم واختلافهم  
علی الاتحاد واتحادهم علی الاختلاف، فعملت علی توحید کلمتهم  
وتنبیهم الخطر الغربی المحدث بهم<sup>۲</sup>.

سازمان مغز و اندیشه خود را به تشخیص درد اصلی شرق و جست‌وجوی درمان آن اختصاص دادم. دریافتم که کشنده‌ترین درد شرق،

طالع

سال هفتم - شماره ۲۵ - بهار ۱۳۸۷

جدایی افراد آن از یکدیگر و پراکندگی اندیشه‌های آنان و اختلافشان بر سر اتحاد و اتحادشان در اختلاف است. پس در راه وحدت عقیده و بیدار کردن آنان در برابر خطر غربی که ایشان را فراگرفته دست به عمل زد. اکنون ببینیم دستاورد این درمان و تلاش چیست. سید راهکارهای بسیاری ارائه کرد و گامهای عملی مؤثری نیز برداشت، که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

#### ۱. آگاهی بخشی مسلمانان از طریق انتشار نشریات

یکی از دردهای جهان اسلام به نظر سیدجمال، از یک طرف درد غفلت و بی‌خبری خودی است و از طرف دیگر هوشیاری و توطئه برنامه‌ریزی شده و هماهنگ استعمارگران و دشمنان اسلام؛ اما برای اینکه جوامع اسلامی دست از تفرقه و اختلاف بردارند و به همبستگی و شکوفایی ممالکشان بیندیشند، باید این مسئله به درستی به آنها تفهیم گردد. مطبوعات و انتشار نشریه به نظر سید یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه بوده است. وی در این زمینه می‌نویسد:

هر امتی را باید علی‌الدوام از برای صیانت اخلاق و حفاظت ملکات و راهنمایی به سوی سعادت منبهی از غفلت و صائتی از هبوط و سابقی به سوی فضائل و قانندی به جانب کمالات... باشد. - هیچ چیزی دارای این همه اوصاف نیست - مگر جراید و اخبارنامه‌های یومیه.

بنابراین، باید هر ملتی که خواهان وحدت و همگرایی، دوری و پرهیز از تفرقه، هلاکت و بدبختی است و جویای مدنیت و رفاه اجتماعی می‌باشد، نویسندگان و فرهیختگان آن جامعه باید به انتشار نشریات بپردازند و مضرات آنچه را در جامعه مهلک است بیان نمایند و به روشنگری در جوامع اسلامی بپردازند. از این رو، سید خود به این مهم همت گماشت. در افغانستان برای اولین بار انتشار نشریه **شمس النهار** به پیشنهاد سید و به دستور و اجرای امیر شیرعلی‌خان تحقق یافت.<sup>۴</sup>

سیدجمال‌الدین برای بیداری مسلمانان در افغانستان در سال ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م به امیر شیرعلی‌خان پیشنهاد راه‌اندازی یک نشریه را داد و امیر نیز موافقت نمود و در همین سال نشریه‌ای به نام **شمس النهار** خواسته سید را جامه عمل پوشاند. برای نخستین بار مردم افغانستان با خواندن این نشریه با دگرگونیها و پیشرفت و ترقی سایر کشورها آشنا شدند. گرچه نام مدیر این نشریه در تاریخ ثبت نشده است، اما مطالب آن نشان می‌دهد که ادیبی وطن دوست و مصلح بوده که از عقب‌ماندگی کشور رنج می‌برده است. البته از افرادی به نام میرزا عبدالعلی‌خان و قاضی عبدالقادر به عنوان «مدیر» و مانند آن، در **شمس النهار** سخن به میان آمده است.<sup>۵</sup>

رویکرد اصلاحی این نشریه و اندیشه‌های تجددگرایی آن از افکار سیدجمال‌الدین نشأت می‌گرفت. حتی گفته می‌شود که سید خود مفکوره آزادی خواهی و اصلاحی خویش را از طریق نوشتار و انتشار **شمس النهار** برای مردم ابراز می‌نمود<sup>۶</sup> و طبق این قول، سید خود مستقیماً در

انتشار افکار تجددگرایی این نشریه نقش داشته است. اما آنچه قابل انکار و تردید نیست برنامه‌های اصلاحی است که سید آن را تنظیم نموده و به شیرعلی‌خان تسلیم کرده بود. بر اساس نقل کتب تاریخی و مقاله غلام جیرانی در مجله *کابل* و نیز مقاله سیدقاسم رشتیا، برنامه اصلاحی که سید به امیر شیرعلی‌خان پیشنهاد نمود عبارت بود از:

اعلان استقلال سیاسی؛ اصلاح امور دربار؛ تشکیل کابینه وزرا؛ تنظیم سپاه؛ ایجاد مکتبهای لشکری و کشوری؛ توجه به زبان ملی پشتو؛ تبدیل القاب و عناوین صاحب منصبان لشکری و کشوری از زبان بیگانه به زبان افغانی؛ تأسیس روزنامه؛ تأسیس شفاخانه، بیطارخانه (دامپزشکی) و پست‌خانه؛ احداث مسافرخانه در طول راههای مسافرت؛ احداث شهر جدید شیر پور (تعمیر شهر عصری)؛ ایجاد کاروان‌سرا.<sup>۷</sup>

سیدجمال‌الدین در حیدرآباد هندوستان نیز نشریه‌ای به نام *معلم تسفیق* با همکاری محب‌حسین انتشار داد که مقالات فارسی آن را خود می‌نوشت و مقالات زبان اردو را بر عهده مدیران دیگر قرار داده بود.<sup>۸</sup> وی همچنین روزنامه دیگری به نام *حبل المتین* با تشویق سیدجلال‌الدین کاشانی (مؤید الاسلام) تأسیس نمود.<sup>۹</sup> در سال ۱۳۰۹ق نیز نشریه *ضیاء الخافقین* را به دو زبان عربی و انگلیسی در لندن دایر کرد که با همکاری میرزا ملکم خان به طور ماهانه منتشر می‌شد.<sup>۱۰</sup>

در مصر نیز سید و همکاران و مریدان او به انتشار نشریات متعددی پرداختند و بسیاری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران مصری در تنویر افکار عمومی و بیداری اذهان مردمی مرید او بودند.<sup>۱۱</sup> «به تشویق او بود که سلیم النقاش و ادیب اسحاق مجله *مصر و روزنامه التجارة* و روزنامه *مصرالفنات* و سلیم عنحوری روزنامه *مرآة الشرق* را به دو زبان فرانسه و عربی منتشر کردند.»<sup>۱۲</sup> ماهنامه *ابوظنارة* نیز به تشویق و همکاری سیدجمال‌الدین توسط یک مصری به نام *جمیس سانوا* ایجاد شد و انتشار یافت.<sup>۱۳</sup>

از قدمهای مؤثر سید در این زمینه انتشار نشریه *عروة الوثقی* است. سید از هند با وعده پشتیبانی عده‌ای از مسلمانان روشنفکر آن سامان، عازم اروپا شد و با انتشار مجله *عروة الوثقی*، اصول اصلاحی خویش، به ویژه اتحاد اسلامی را، دنبال کرد.<sup>۱۴</sup> هر چند سید، همزمان با انتشار این مجله، مقالاتی در سایر روزنامه‌ها می‌نوشت و همچنین با سخنرانی و دیدارها و گفت‌وگوها بر اتحاد اسلامی پای می‌فشرد، ولی مهم‌ترین منبع مربوط به آرمان اتحاد اسلامی و دیدگاهها و پیشنهادهای و ارائه راهکارهای وی درباره اتحاد، مجله *عروة الوثقی* است. استاد محیط طباطبایی می‌نویسد:

طهر

سال هفتم - شماره ۲۵ - بهار ۱۳۸۷

این مقالات، در عین حال که آمیخته از روح مذهبی و عرفانی و سیاسی در هم بود، گویی مواد و اصول طراحی را که سید برای اتحاد اسلام طرح کرده بود، تشریح و تجزیه و تطبیق می‌کرد.<sup>۱۵</sup>

گفته می‌شود انتشار این مجله، گامی بس بزرگ در راه تفاهم و اتحاد مسلمانان بود و خود نیز از پیامدهای همبستگی مسلمانان به شمار می‌آمد، زیرا مخارج آن به وسیله مسلمانان تشکیلات عروه، در مصر، هند و... تأمین می‌شد.<sup>۱۶</sup> در نخستین مقاله مجله، سید با اشاره به این همکاریها و تصمیم مشترک مسلمانان خیرخواه، به ویژه مسلمانان هند و مصر، هدف بزرگ خود را ایجاد رابطه‌ای محکم و استوار بین مسلمانان دردمند و عدالت خواه می‌داند.<sup>۱۷</sup> سراسر مقالات *عروة الوثقی*، مشحون از دعوت به اتحاد جهان اسلام است و چندین مقاله مستقل نیز به این مهم اختصاص یافته است.<sup>۱۸</sup>

از مهم‌ترین راهکارهای سید در جهت روشنگری و آگاهی‌بخشی مسلمانان، تشویق دوستان، مریدان و ارادتمندان خود به تألیف، ترجمه و نشر کتب و رسائلی بود که با مطالعه آنها مردم به بیداری دست یابند.<sup>۱۹</sup> سید علاوه بر انتشار نشریات متعدد با همکاری دوستان و ارادتمندان، به نشر دیدگاههای خود در سایر مجلات و نشریات اقدام می‌نمود و از هر فرصتی در این زمینه استفاده بهینه می‌کرد. وی در زمان اقامتش در فرانسه با تعدادی از روزنامه‌نگاران و مدیران و سردبیران روزنامه‌های فرانسوی آشنا شد و برای آنها مقاله می‌نوشت و آنها نیز ستونی برای نشر آرای وی اختصاص داده بودند که گاهی مقالات عربی سید را به فرانسه ترجمه می‌کردند و منتشر می‌ساختند.<sup>۲۰</sup>

## ۲. ایجاد حکومت واحد اسلامی

یکی از راهکارهای آرمانی سید، ایجاد حکومت واحد اسلامی بود.<sup>۲۱</sup> وی خواهان جامعه‌ای بود که وحدت بر آن حاکم باشد، اختلافات نژادی، زبانی، منطقه‌ای و فرقه‌ای بر اخوت اسلامی فائق نگردد و مردم مسلمان امتی باشند آگاه و عالم به زمان و آشنا به فنون و صنعت عصر و آزاد از هرگونه قید استعمار و استبداد. نمونه‌ای که سید برای این نوع حکومت در نظر داشت، دولت اسلامی در صدر اسلام و حکومت واحد رسول خدا ﷺ بود.

بدین منظور سید خلافت عثمانی را که مرکزیت حکومت اسلامی در آن زمان بود می‌ستود و بر تقویت بنیه‌های آن می‌کوشید. ایشان در یکی از نوشته‌های خود به سلطان عثمانی می‌نویسد:

اگر خدای نخواستہ بر دولت علیہ عثمانی چشم زخمی برسد، نہ مکہ را قراری و نہ مدینہ منورہ وقاری، بلکه نہ از اسلام اسمی و نہ از دین رسمی خواهد ماند و بعد از آن نہ صوت اذانی خواهند شنید و نہ

قرآنی خواهند دید، مانند یهود بخارا خار و چون گوسفندان بی صاحب  
شکار گرگ ستمکار خواهند شد.<sup>۲۲</sup>

این پیش‌بینی سید به درستی جامه عمل پوشید و پس از فروپاشی خلافت عثمانی، حتی در  
مرکز خلافت با مظاهر، نمادها و ضروریات اسلامی به بهانه تعارض با اصول لائیسیم، مخالفت  
شد.

### ۳. اتحاد بر محور قرآن

سید پس از اندکی تلاش در جهت وحدت جهان اسلام و ایجاد الگوی حکومت صدر اسلام،  
تشخیص داد که امکان ندارد دولت واحد و حکومت واحدی تشکیل شده و فرمانروای واحدی  
زمام امور مسلمانان را به دست بگیرد؛ لذا اندکی از آن ایده آرمانی تنزل کرد و بر ارتباط میان  
تمام اعضای جوامع اسلامی بر مبنای قرآن پای فشرده و اعلام کرد:

من نمی‌گویم که: به همه کشورهای اسلامی یک نفر حکومت کند،  
زیرا این کار بسیار مشکل است، ولی امیدوارم که حاکم و سلطان همه  
ملت‌های مسلمان، تنها قرآن باشد و عامل وحدت و یگانگی آنها دین آنها.  
با این وحدت هر پادشاهی می‌تواند در کشورش برای حفظ حقوق دیگر  
کشورهای اسلامی کوشش کند، زیرا حیات او به حیات آن دیگری و  
بقایش به بقای ملت دیگر مسلمان بسته است.<sup>۲۳</sup>

این راهکار به نظر سید دست‌یافتنی و امکان‌پذیر بود. وی در مقاله «اتحاد ایران و افغان»  
وضعیت امارت‌های آلمان را مثال می‌زند که پس از تفرقه و تشتت، متحد شدند و از آن وضعیت  
نابهنجار نجات یافتند؛ لذا دولت‌های مسلمان نیز می‌توانند به اتحاد و همبستگی نائل شوند و  
نابسامانی‌های ممالکشان را بهبود بخشند.<sup>۲۴</sup>

وحدت بر محور قرآن جز مبنا و محور اتحاد اسلامی است، اما از این لحاظ که پیشنهاد این  
عامل به عنوان محور و مبنای وحدت، در واقع ارائه یک راهکار برای تحقق اتحاد و انسجام  
اسلامی است، می‌توان این عامل را در مجموعه راهکارها گنجانند.

### ۴. بازگشت به اسلام راستین

به نظر سید، آنچه عیب است از مسلمانی ماست نه از اسلام. علل اساسی تفرقه مسلمانان و  
انحطاط آنان، دوری از اسلام راستین و قرآن کریم است. وی بر این باور بود که مسلمانان  
سده‌های نخستین، به سبب اعتقاد و عمل به اسلام اصیل، که احکام آن دقیق و اصول آن  
نیرومند و قواعد آن محکم و دستورهایش همه رموز زندگی فردی و اجتماعی را شامل بود، با هم  
وحدت داشتند و کشورهای اسلامی در راه نیرومندی و عظمت گام بر می‌داشتند. فاصله از اسلام  
و تعالیم حیاتبخش آن، باعث تفرقه آنان شد. از این روی، اگر مسلمانان خواهان مجد و عظمت

طهری

نقد هفتم - شماره ۲۵ - بهار ۱۳۸۷

گذشته‌اند، باید به اسلام راستین بازگردند و قرآن را کتاب زندگی بدانند، نه کتاب مقدس و قابل احترام و بی‌ارتباط با زندگی.<sup>۲۵</sup>

اگر ارتباط و پیوند مسلمانان و کشورهای اسلامی قطع شده و در نتیجه از همکاری و تعاون یکدیگر در مصائب و مشکلات بی‌بهره مانده‌اند، به سبب دوری آنان از اسلام است. بالاتر، اگر مسلمانان در یک کشور، بلکه یک شهر، با هم رابطه نزدیکی ندارند، به سبب فاصله از اسلام است.<sup>۲۶</sup>

### ۵. همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی

به نظر سید، یکی از راهکارهای مهم و تأثیرگذار وحدت، ارتباط و همبستگی عالمان دینی و متفکران اسلامی است. سید موفقیت طرح اتحاد جهان اسلام را در لحظه‌ای عملی و دست‌یافتنی می‌دید که عالمان مذاهب اسلامی، به تفاهم برسند و به احساس مشترکی دست یابند.<sup>۲۷</sup> سید در این زمینه طرحهایی ارائه نمود که عبارت‌اند از:

#### ۱-۵. سازمان‌دهی درجات علمی و وظایف عالمان

سیدجمال‌الدین، تشکل‌سازی، سازماندهی و تعیین مسئولیت عالمان دینی و درجات علمی آنان را در ایجاد ارتباط و اتحاد میان مسلمانان مفید و لازم می‌شمرد: «ایجاد استحکام و ارتباط میان مسلمانان، مستلزم این است که درجات علمی علمای اسلام و وظایف هر کدام از آنها معین شود تا همواره آماده انجام وظیفه باشند.»<sup>۲۸</sup>

با توجه به نیازهای امروزی و تعیین سطوح و درجات علمی و نیز اظهار نظرهای غیرمسئولانه برخی از عالم‌نماها و ایجاد تفرقه و اختلاف از ناحیه آنان، به نظر می‌رسد این طرح یکی از راهکارهای اساسی و راهبردی باشد. تعیین مدارج علمی و وظایف علما دست کم دو امتیاز دارد: اولاً، با تعیین سطوح و درجات علمی، هم روحانی و هم عامی می‌داند به چه کسی مراجعه شود و چه فردی پاسخگوی کدام مسائل و چه نوع اموری است؛ ثانیاً، هر عالم‌نمایی نمی‌تواند فتوا صادر کند و با شایعات و ترهات ذهنی و به ظاهر دینی، به تفرقه و اختلاف دامن بزند.

#### ۲-۵. ایجاد مرکزیت دینی و گفتمانی

به نظر سید، علما باید برای ایجاد یک مرکزیت دینی تلاش کنند تا در این مرکز تبادل نظر و گفت‌وگویی عالمان دینی انجام شود، تا به وحدت نظر برسند. سید از رؤسا و زمامداران کشورهای اسلامی و طرفداران حق می‌خواهد که به عنوان وظیفه و تکلیف، از این تجمع حمایت کنند و آن مرکز نیز از کارها و اقداماتی که به جمع آنان وحدت و یگانگی می‌بخشد غفلت

نکند.<sup>۲۹</sup> مبلغان و سخنوران نیز به جای اینکه به نقاط دور دست بروند، با کسانی که نزدیکتر هستند ملاقات و مذاکره کنند.<sup>۳۰</sup>

به نظر ایشان، اول باید یک مرکزیت ایجاد شود، ارتباط و همگرایی بین دانشمندان حاصل گردد و بعد از اینکه هسته اولیه شکل گرفت و بنیانهای وحدت ثبات یافت، می‌توان آن را گسترش داد. به نظر وی، حوزه‌های علمیه و مساجد بهترین مراکز برای ایجاد تفاهم و گفت‌وگوهای علمی و دینی‌اند. ایشان درباره بایستگی نقش این مراکز به عنوان حلقه‌های پیوند دهنده اجتماعات مردم می‌گوید:

هر کدام از اینها مکانی برای ظهور روح زندگی واحد در میان جامعه مسلمانان باشد و هر کدام از این محلها، مانند حلقه زنجیری باشد که هر گاه یکی از آن حلقه‌ها تکان بخورد، حلقه‌های اطراف آن هم به صدا در آیند.<sup>۳۱</sup>

## ۶. ایجاد تشکیلات

کارهای مهم اجتماعی بدون برنامه‌ریزی، سیاستگذاری کلان و تشکیلات به سامان نمی‌رسد. سید این نکته را به خوبی دریافته بود، لذا برای پیشبرد اهداف خود اقدام به تشکیل «جمعیت سزی عروه» می‌نماید. مجله رسمی و علنی *عروة الوثقی* در واقع ارگان نشریاتی این جمعیت سزی بود. در باره این جمعیت و سزی بودن آن، احمد امین می‌نویسد: «وکان وراء هذه المجلة جمعية سرية منبثة في جميع الاقطار الاسلامية، اختير اعضاؤها من بين المسلمين المتقنين المتحمسين لدينهم، و وضع لها عین يقسمها من يدخل فيها و يتمهد.»<sup>۳۲</sup>

طالع

این جمعیت ابتدا در دوران اقامت چهار ساله سید در هندوستان (حیدرآباد و کلکته) ایجاد گردید و به تدریج و با همت و پشتکاری وی، شعبه‌هایی از آن در دیگر کشورها، از جمله مصر تونس و دیگر نقاط شمال آفریقا و فرانسه نیز دایر شد.<sup>۳۳</sup> درباره نحوه تأسیس، فعالیت‌های سزی و شعب مختلف این جمعیت، در نامه‌ای که شیخ محمد عبده از تونس به پاریس می‌فرستد، می‌خوانیم:

با آنکه هفده روز است در تونس هستم نامه شما به تأخیر افتاده است. من در اینجا به علما و امرای تونس بر خوردم و آنها را شناختم و شما را به ایشان شناساندم و گفتم: عروه نام جریده‌ای نیست، بلکه نام جمعیتی است که سید، در حیدرآباد هند تأسیس کرده و شعبی در دیگر ممالک دارد؛ اما هیچ شعبه، شعبه دیگر را نمی‌شناسد و فقط رئیس از آنها آگاه است اینکه ما می‌خواهیم یک شعبه در اینجا تأسیس کنیم، پذیرفتند. من امروز کوشش می‌کنم که این جمعیت را تشکیل دهم، بیشتر اعضا از دانشمندان‌اند. یکی از آنها شیخ ورستانی است و یکی شیخ ابوحاجب. من به زودی نام هم قسم آنان را به شما اطلاع می‌دهم. دوست دارم که



کسی از نام آنها مطلع نشود. به آنها گفتم که کسی بر نام ایشان جز شما و من و خدا مطلع نخواهد شد.<sup>۳۳</sup>

روشن است که این جمعیت، تشکیلاتی سری بود و در سراسر کشورهای اسلامی شعبی دایر نموده بود. فعالیتها نیز به نحوی انجام می‌گرفتند که شعبه‌ای از شعبه دیگر اطلاع نداشت. اعضای این جمعیت غالباً از میان افراد تحصیل کرده مسلمان، دردمند و به شدت علاقه‌مند به مکتب اسلام انتخاب شده بودند. برای عضویت در این جمعیت، قسم (سوگند) نامه‌ای تنظیم شده بود و هر کس در این جمعیت وارد می‌شد، چنین سوگند یاد می‌نمود:

تعهد می‌کنم در حد توان، در راه زنده ساختن اخوت اسلامی تلاش کنم و آن را همانند وظیفه پدر و فرزند، نسبت به یکدیگر، انجام دهم. و هیچ وظیفه‌ای را بر وظیفه دینی ترجیح ندهم و هیچ اقدامی را که ضرر دین در آن فرض شود، بر عهده نگیرم و از هر وسیله درستی که برای تقویت اسلام مفید باشد استفاده کنم و تا حد امکان، اطلاعات خود را نسبت به کشورهای اسلامی گسترش دهم.<sup>۳۴</sup>

هزینه‌های مجله *عروة الوثقی* نیز از طریق شعبه‌های همین جمعیت در سراسر ممالک اسلامی تأمین می‌گردید، چون هر یک از اعضا پس از پایان جلسه مبلغی که در وسع او بود، در صندوق کوچکی که منفذی داشت، می‌ریخت. میزان این کمکها نیز سری بود و هیچ کس نمی‌فهمید دیگری چه مبلغی تقدیم کرده است.<sup>۳۵</sup>

سری بودن این تشکیلات با توجه به جو اختناق آن روز شاید عامل بقا و استمرار آن محسوب می‌شد، ولی می‌توانست عامل اصلی عدم موفقیت آن نیز به شمار رود، به خصوص اینکه هیچ یک از اعضا از اعضای دیگر اطلاع نداشتند و تنها رئیس عامل ارتباطی محسوب می‌شد. در چنین تشکیلاتی اگر رئیس بی‌انگیزه شود و یا حادثه‌ای برای او اتفاق بیفتد، کل تشکیلات از هم پاشیده می‌شود، زیرا دیگر هیچ راه ارتباطی در بین اعضا وجود ندارد.

این راهکار (ایجاد تشکیلات) بعداً نیز در بین مسلمانان ادامه یافت. تأسیس «دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه» توسط علامه محمدتقی قمی در مصر، شاید یکی از طرحهایی باشد که با الگوگیری از تشکیلات سیدجمال‌الدین پایه‌گذاری شده و بسیاری از نقاط قوت آن - مانند گستردگی در کلیه جوامع اسلامی، استفاده از نیروی خلاق، تحصیل کرده و فرهنگیان اسلامی و... را دارد، ولی در عین حال نقاط ضعف آن - مثل سری بودن و اتکا به یک فرد - را ندارد.

#### ۷. ایجاد کنگره و مؤتمر اسلامی

یکی دیگر از راهکارهای سید در جهت اتحاد اسلامی، ایجاد کنگره و مؤتمر اسلامی بود. هدف وی از تلاش در جهت ایجاد مؤتمر اسلامی این بود که با گردآوری عالمان مذاهب و نمایندگان کشورهای اسلامی در آن مجمع بزرگ، آنان به تبادل نظر و همفکری بپردازند و با

اعلام نتایج آن به مردم، بتوانند مشکلات مسلمانان را حل کنند، نیروهای از دست رفته دین را دوباره تقویت نمایند، اسلام را از تهاجم و کینه‌جویی دشمنان سرسخت و لجاجت حفظ کنند، از بدعت‌های بدعت‌گذاران جلوگیری نمایید و همچنین برای سیر علوم اسلام، بیداری مسلمانان، ترویج و گسترش اسلام و پاسداری از آن برنامه‌ریزی کنند.<sup>۳۶</sup>

مرکز کنگره مکه انتخاب گردید. سید درباره علت انتخاب مکه برای برگزاری آن می‌گوید:

انتخاب مکه بدین خاطر است که مرکز پیدایش دین اسلام و مرکز تجلی حق و یقین و بهترین مکان مقدس برای تجمع مسلمانان است. مهم‌تر از همه اینکه خانه خدا، کعبه نیز در مکه است و همه ساله مسلمانان در مراسم حج از شرق و غرب در آنجا حضور می‌یابند.<sup>۳۷</sup>

سید بر این باور بود که مسلمانان همه ساله با شرکت گسترده در مراسم حج و حضور در این گردهمایی با شکوه و تبادل نظر و توافق، می‌توانند اهداف پیش‌گفته را تحقق بخشند. سپس کواکبی طرح مؤتمر اسلامی را از سید گرفت، چنان که یکی از نویسندگان لبنانی در این باره می‌نویسد: «واما الکواکبی... قد اخذ فكرة الافغانی فی عقد المؤتمر الاسلامی».<sup>۳۸</sup>

#### ۸. شناسایی عوامل تفرقه و طرد و نفی آنان

همان‌طور که عوامل تفرقه می‌تواند درونی باشد، قطعاً می‌تواند بیرونی نیز باشد. به تجربه ثابت شده است که عوامل بیرونی و نفوذی بیشتر از عوامل درونی در بین مسلمانان به تفرقه و اختلاف دامن زده‌اند. بنابراین، مهم‌ترین راهکار ایجاد وحدت، شناسایی عوامل تفرقه و به ویژه عوامل بیرونی و خارجی است.

از نظر سید رژیم‌های استبدادی و دست‌نشانده، متحجران و ظاهرگرایان، غریب‌دگان و عالمان درباری، تعصبات ناپجا، ردائیل اخلاقی و فاصله از اسلام اصیل، از عوامل تفرقه مسلمانان به حساب می‌آیند که شناسایی و طرد و نفی آنها، موجب اتحاد و همبستگی اسلامی را فراهم می‌سازد. مثلاً سید نتیجه تعصبات فرقه‌ای را چنین شرح می‌دهد:

در پی آن، جامعه مستحکم اسلام تجزیه گشت و به افراد تقسیم شد. هر کدام از آنها دارای فرقه‌ای شدند و هر فرقه به دنبال خواسته‌ها و تمایلات خود رفت. عده‌ای به سوی ملک و حکومت، عده‌ای به جانب مذهب. به تدریج آثار آن عقاید و ایمانی که مسلمانان اولیه را به سوی وحدت و یگانگی دعوت می‌کرد و مردم را برای استحکام وحدت جامعه اسلامی بر می‌انگیخت، از روان مسلمانان زایل گشت و آنچه از ایمان و عقاید مذهبی در ذهن آنان باقی ماند، تبدیل به یک سلسله صورتهای ذهنی شد که فقط در گنجینه خیال آنان حفظ می‌شد و حافظه آنها هنگام نشان دادن معلومات نفسانی خویش، به آن صورتهای هم توجه می‌کرد.<sup>۳۹</sup>

#### ۹. طرح ائتلاف و تقریب دولتهای مسلمان

یکی از راهکارهای اساسی و جدی سید در جهت همبستگی اسلامی که خود عملاً تلاش

بسیاری برای تحقق آن به خرج داد، طرح ائتلاف و تقریب دولتهای مسلمان بود. سید می‌کوشید دول اسلامی را متحد و همگام سازد. او تمام عمرش را در این زمینه وقف کرده بود: مقاله می‌نوشت، سخنرانی می‌کرد، دیگران را به نوشتن مقالات و سخنرانی وا می‌داشت، با افراد مؤثر و صاحب نفوذ همچون علما و سران کشورهای اسلامی گفت‌وگو می‌کرد، همه را هشدار می‌داد و آنان را برای اتحاد دول اسلامی آماده می‌ساخت. در این زمینه به اتحاد دو دولت ایران و افغانستان بسیار دل بسته بود و همواره برای ائتلاف و همبستگی این دو کشور می‌کوشید.<sup>۴۰</sup>

طرح کلی‌تر سیدجمال‌الدین، برنامه اتحاد و ائتلاف هندوستان، بلوچستان، افغانستان، ترکمنستان، بخارا و... تحت لوای اسلام و خلافت عثمانی بود که در سال ۱۳۰۲ش/۱۸۸۵م طی نامه مفصلی پیشنهاد و به دربار خلافت عثمانی فرستاده شد و خود عهده‌دار انجام این طرح گردید.<sup>۴۱</sup>

البته سلطان عبدالحمید، خلیفه عثمانی، ابتدا از این طرح حمایت کرد و سید را به دربار فرا خواند و سید نیز به استانبول شتافت و به عملیاتی‌سازی طرح کلان خود پرداخت و با استفاده از موفقیت به دست آمده، نامه‌هایی به زبانهای گوناگون، از سوی سلطان و با مهر و امضای وی، برای امرا و حاکمان کشورهای اسلامی فرستاد.<sup>۴۲</sup> روابط گرم سلطان و سید طولی نکشید و توطئه در باریان و دسیسه‌های انگلیسی شروع شد. بالاخره توطئه‌ها و دسیسه‌ها کار را به جایی رساند که خلیفه عثمانی به سید مظنون شد و اعمال و رفتار سید را به شدت تحت کنترل قرار داد.<sup>۴۳</sup>

حتی اگر بگوییم که سید در اجرای تمام طرحهایش به موفقیت کامل دست نیافت و همه راهکارهای وی عملی نگردید، ولی می‌توان گفت حرکت سید و راهکارها و گامهای بسیار مؤثر وی سه نتیجه روشن و قابل توجه را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد:

۱. باعث تقویت روح اتحاد و اخوت مسلمانان جهان اسلام گردید؛

۲. موجب رشد و شکوفایی حرکتها و جنبشهای طرفدار اتحاد اسلامی شد؛

۳. و از همه مهم‌تر پیروانی برجسته‌ای پیدا کرد؛ کسانی چون کواکبی، رؤسای الازهر، شیخ عبدالقادر مغربی، امیر شکیب ارسلان، شیخ حسین جسر، مولانا ابوالکلام آزاد، اقبال لاهوری و بسیاری از علمای بزرگ شیعه در عراق و ایران که هر یک طلایه‌دار اتحاد اسلامی شدند و راه و آرمان سید را پس از وی دنبال کردند.<sup>۴۴</sup>

### راهکارهای وحدت از دیدگاه امام خمینی ره

یکی از تأثیرگذارترین رهبران وحدت‌طلب و پیشوایان اصلاح‌گرای معاصر، امام خمینی ره رهبر کبیر انقلاب اسلامی است. او نیز همچون سیدجمال‌الدین بنیانگذار حرکت اصلاحی و

وحدت‌طلبی، از برجسته‌ترین منادیان همبستگی و انسجام اسلامی به شمار می‌رود. اندیشه‌های این مرد بزرگ الهی در مرحله نظر باقی نمانده، بلکه غالباً جامه عمل پوشیده است. در زمینه وحدت نیز راهکارهای اساسی و کاربردی برای تحقق این هدف بزرگ ارائه نموده است که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

#### ۱. رهبری واحد

برای وحدت یک جامعه، رهبری واحد و اطاعت و پیروی از او، سخن نخست است. یعنی قبل از هر راهکار دیگر و انجام فعالیت در مسیر همبستگی، شناسایی یک رهبر واحد، گرد آمدن در کنار او و حرف‌شنوی از اوامر و دستورهای وی، از اهم راهکارهای وحدت به شمار می‌رود. این مسئله در دین امری پذیرفته شده و حتی مورد تأکید است. رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

إِصْمَعُوا وَأَطِيعُوا مَنْ وُلاَّهُ اللهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.<sup>۴۵</sup>

از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش به فرمان باشید، زیرا اطاعت از رهبری مایه «وحدت امت اسلام» است.

امام تَقِيُّ خود یک رهبر استثنایی و کاریزماتیک در این زمینه بود که محور وحدت و همبستگی جامعه اسلامی ایران گردید و انقلاب شکوهمندش را به ثمر نماند. نقش رهبری واحد در اینجا جای هیچ حرف و حدیثی را باقی نمی‌گذارد. چنان که مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«این انقلاب در دنیا بدون نام امام خمینی تَقِيُّ شناخته شده نیست.»

حضرت امام تَقِيُّ خود در زمینه رهبری واحد نیز بسیار مصر بود. ایشان تلاش بسیار زیادی در جهت انتقال مرحوم آیت‌الله بروجردی رحمته به قم و مرجعیت ایشان انجام دادند و نقش ایشان در جهت ایجاد رهبریت واحد در حوزه قم پس از رحلت مرحوم آیت‌الله حائری رحمته مورد اعتراف همه کسانی که در آن عصر در حوزه قم می‌زیسته‌اند، بوده است.<sup>۴۶</sup>

همچنین امام در نجف اشرف کوشش بلیغی در جهت حفظ شأن و مرتبه حضرت آیت‌الله حکیم انجام می‌دهند و از هرگونه عملی که کوچک‌ترین اثری در جهت تضعیف ریاست عامه ایشان داشته باشد خودداری می‌کنند. مثلاً وقتی برای اولین بار کتاب *تحریر الوسیلة* ایشان، در نجف به چاپ می‌رسد، امام متوجه می‌شوند بر روی جلد این کتاب عبارت «زعیم الحوزات العلمیة» نقش بسته است. لذا بلافاصله دستور می‌دهند این عبارت پاک شود و می‌گویند: «والا کلیه این کتابها را به دجله می‌ریزم.» اصرار یاران ایشان به جایی نمی‌رسد و بالاخره با مشکلات بسیاری این عبارت را پاک می‌کنند.<sup>۴۷</sup>

امروزه اگر رهبری واحد سیاسی در تمام ممالک و جوامع اسلامی به خاطر تفکیک و تقسیم جغرافیایی ممکن نیست، دو راه حل دیگر وجود دارد:

۱. همه کشورها و جوامع اسلامی، شورایی متشکل از دانشمندان، فقها و مفتیان اعظمی که با اندیشه تقریبی هستند، تشکیل دهند و این شورا برای تقریب و همبستگی جوامع اسلامی بکوشد و در مسائل بزرگ و مبتلابه، فتوای دینی و مذهبی که متناسب با مصالح امت اسلامی است صادر کند.

۲. جوامع اسلامی - همچون سران کشورها که گاهی جلسه دارند - به صورت اصولی و اساسی شورایی تشکیل دهند و اعضای این شورا در مسائل مهم بین‌المللی و منطقه‌ای به شور و مشورت پردازند و در سیاست خارجی‌شان موضع مشترک و واحدی اتخاذ کنند.

## ۲. شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف

یکی از دقتها و موشکافیهای حضرت امام تقّه در باب راهکارهای وحدت، شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف است. از دیدگاه ایشان می‌توان استفاده کرد که ما نباید خود را درگیر مسائل ظاهری و سطحی اختلافها کنیم، باید ریشه‌های اصلی را پیدا کنیم و بخشکانیم. ایشان با هرگونه حرکتی که باعث انحراف افکار ملت از مجرم اصلی شود به مقابله برمی‌خیزند و به روشنگری و ارائه مسیر صحیح مبارزه می‌پردازند. نمونه‌های فراوانی از عملکرد امام نشان می‌دهد که به جای پرداختن به امور سطحی و اصلاح انحرافهای ظاهری، به اصل و منشأ آنها هجوم می‌برد. مثلاً هنگام طرح کتاب *شهادت جاوید* در مجامع علمی و طرفداری عده‌ای از محتوای کتاب و مخالفت برخی دیگر، می‌فرمایند:

قضیه مرحوم شمس‌آبادی شما خیال کردید یک چیز عادی بود این همه جز همانها بود که با طریقه‌های مختلف اینها می‌آمدند و درست می‌کردند. یک وقت *شهادت جاوید* را پیش می‌آوردند، از این طرف و از آن طرف و یک ماه محرم و صفر و بیشتر منبرها همه خرج این می‌شد که *شهادت جاوید* چی. از این طرف یک دسته‌ای تایید از آن طرف یک دسته‌ای تکذیب. یک قدری که این سست می‌شد، باز یک چیز دیگری درست می‌کردند. مرحوم شمس‌آبادی هم از این امور بود که شاید هم خودشان این کار را کردند (من نمی‌دانم) که یکی کسی را بکشند و صدا دربیابورند یک دسته از آن طرف و یک دسته از این طرف و بساط درست کنند و یک قدری که این کمتر می‌شد آن وقت یک کس دیگر را به میدان می‌آوردند که این کتابهایش چطور است. او می‌گفت کافر است، این می‌گفت مسلمان است. آن دیگری می‌گفت کافری است از ابوجهل بدتر. اما نقشه توی کار است. آنهايي که اینها را درست می‌کنند نه به اسلام عقیده دارند و نه به روحانیت عقیده دارند و نه به هیچ چیز.<sup>۳۸</sup>

مبارزات حضرت امام تقّه با شاه فاسد و نقشه‌های اختلاف برانگیز او، نیز بر همین مبنا استوار بود. مبارزه با ابرقدرتهایی مثل آمریکا که همواره به اختلاف و تفرقه در جوامع اسلامی دامن می‌زنند نیز از همین قبیل بود.

### ۳. پرداختن نویسندگان به وحدت

از راهکارهای اساسی دیگر، توجه و پرداختن نویسندگان و فرهنگیان و دانشمندان به وحدت و تولید کتابها و دیگر آثاری است که در زمینه وحدت و همبستگی باشند و جامعه اسلامی را به همدلی فرا بخوانند. حضرت امام تق در یکی از سخنان خود می‌فرمایند:

ای آقای محترمی که این صفحات را جمع‌آوری نمودید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رساندید خوب است یک کتابی فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضا می‌گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جسارتی می‌شد همه یک دل و یک جهت از تمام کشور قیام می‌کردند.<sup>۳۸</sup>

### ۴. برنامه‌ریزی و انجام کارهای تشکیلاتی

یکی از تأثیرگذارترین راهکارهای وحدت، برنامه‌ریزی، ایجاد انجمنها و انجام کارهای تشکیلاتی در مسیر همبستگی است. تلاشهای فردی هرچند هم مصرانه و با جدیت باشد، مثمر نیست. وحدت اسلامی و قدرت و شکوفایی جامعه اسلامی را با سیاست و برنامه‌ریزیهای بلند مدت از بین برده‌اند، لذا برای بازگشت اقتدار و همبستگی اسلامی نیز باید با برنامه و انجام کارهای تشکیلاتی و اساسی پیش رفت.

طریق

حضرت امام تق این مهم را به خوبی دریافته بود و تمام فعالیتهای ایشان در طول مبارزه ضد استعماری خارجی و ضد استثماری داخلی، نشان از برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و انجام فعالیتهای تشکیلاتی است. مثلاً پس از رحلت مرحوم آیت‌الله بروجردی، شاه تلگرامی به نجف فرستاد و وانمود کرد که در ایران مرجع متشخص و شخص مطرحی وجود ندارد و سپس به غائله لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی پرداخت. امام که نقشه شاه را خوانده بودند، قبل از اینکه خود اعلامیه بدهند یا عملکرد فردی دیگری انجام دهند، همه علمای مطرح آن روز را دعوت می‌کنند و در منزل مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری برای برنامه‌ریزی اساسی و مقابله جمعی و تشکیلاتی با این مسئله جلسه‌ای تشکیل می‌دهند.<sup>۵۰</sup> از طرف دیگر، نامه‌های بسیاری به بلاد و شهرهای مختلف می‌نویسند از علما و روحانیون هر شهر می‌خواهند هفته‌ای یک شب تشکیل جلسه داده و با مشورت و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اصولی، برای مقابله با حوادث پیش آمده موضع واحدی اتخاذ کنند.<sup>۵۱</sup>

### ۵. جلوگیری از اهانت

یکی از عوامل خطرناک تفرقه و اختلاف، توهین و افترا به افراد، جامعه و یا مذهب و اعتقاد دیگران است. راهکار اصولی در این زمینه نیز از بین بردن این عامل است. امام تق پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۴۳ وقتی متوجه می‌شوند در بین طلاب جوان صحبت‌هایی در هجو و بدگویی

از بعضی از مراجعی که با امام همراهی نکرده‌اند رایج شده است، به شدت بر آشفته می‌شوند و می‌فرمایند:

آقایان متوجه باشید اگر چنانچه شطر کلمه‌ای به یک نفر از مراجع اسلام، شطر کلمه‌ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود. کوچک فرض می‌کنند فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می‌کنید؟ اگر به واسطه بعضی از جهالتها لطمه‌ای بر این نهضت بزرگ وارد بشود معاقبید پیش خدای تبارک و تعالی. توبه‌تان مشکل است قبول بشود چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می‌شود، اگر کسی به من اهانت کرد سیلی به صورت من زد، سیلی به صورت اولاد من زد، والله تعالی راضی نیستم در مقابل او کسی بایستد دفاع کند، راضی نیستم.<sup>۵۲</sup>

امام با این از خود گذشتگی مانع ایجاد تفرقه در صفوف مبارزان و شکاف بین جمع مراجع می‌شوند و توطئه عواملی که به شکستن وحدت میان طلاب و روحانیون و مراجع امید بسته بودند خنثا می‌گردد. این عامل در سطح کلان جهان اسلام نیز راهکاری بسیار مؤثر برای وحدت و انسجام به شمار می‌رود. اگر اهانتها در تعابیر گفتاری و نوشتاری کاسته و یا به صورت کلی حذف گردد، احترام به همدیگر جایگزین می‌شود و زمینه گفت‌وگو و وحدت و اخوت حاصل می‌گردد.

#### ۶. احترام متقابل

یکی از مهم‌ترین راهکارهای همبستگی و همدلی، احترام متقابل به همدیگر است. دو فرد و یا دو جامعه و یا دو مذهب و اعتقاد ممکن است تفاوتها و تمایزاتی داشته باشند. راه مسالمت‌زیستی و همبستگی این است که نسبت به هم روابط احترام‌آمیز متقابل داشته باشند. این مسئله در بین گروههای مختلف یک جامعه و حتی افراد یک خانواده نیز صادق است. احترام متقابل موجب همدلی و وحدت می‌گردد. حضرت امام تج درباره احترام متقابل گروههای مختلف جامعه به خصوص روحانیان و روشنفکران و دانشگاهیان می‌فرمایند:

لازم است طبقات محترم روحانی و دانشگاهی، با هم احترام متقابل داشته باشند. جوانان روشنفکر دانشگاهها به روحانیت و روحانیون احترام بگذارند خداوند تعالی آنها را محترم شمرده و اهل بیت وحی سفارش آنها را به ملت فرموده است. روحانیت قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن خدای نخواستہ پایه‌های اسلام فرو می‌ریزد و قدرت جبار دشمن بی‌معارض می‌شود.<sup>۵۳</sup>

متأسفانه در جوامع اسلامی دستهایی دست به هم داده‌اند که نگذارند آنها به همبستگی و همدلی برسند و همواره در بین گروههای مختلف جوامع اسلامی تفرقه و اختلاف به وجود می‌آورند. روحانیان را به روشنفکران و جوانان و دانشمندان دانشگاهی و روشنفکر را به دین و یا

روحانیون بدبین می‌کنند. توصیه حضرت امام این است که این دو قشر با دیده احترام به هم بنگرند و علی‌رغم حمله عمال اجانب به همدیگر احترام بگذارند و از تبلیغات سوئی که بر ضد آنها انجام می‌گیرد، احتراز کنند و هشیار و بیدار باشند که از سر غفلت یا جهالت به دام تبلیغات سو گرفتار نشوند.<sup>۵۴</sup>

#### ۷. تمسک به مشترکات

مسلمانها و مذاهب مختلف اسلامی و همین‌طور اسلام با دیگر ادیان توحیدی مشترکات بسیاری دارند که تمسک به این مشترکات می‌تواند یکی از راهکارهای اساسی وحدت و همبستگی جوامع انسانی یا اسلامی باشد.

امام تذت نیز بارها با تکیه و تمسک به وجوه مشترک در جهت ایجاد وحدت بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان همه را دعوت به وحدت می‌کردند. ایشان در پیامی که به مناسبت عید میلاد مسیح برای مسیحیان جهان فرستاد، با استناد به آیاتی از انجیل به مشترکاتی از مسیحیت و اسلام تمسک کرد و آنها را به وحدت دعوت نمود:

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم  
شنتان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی واتقوا الله ان الله خبیر  
بما تعملون

خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه عدالت‌اند، از آن رو که سیر نخواهند شد (انجیل متی).

خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می‌کشند، به سبب آنکه مملکت آسمانی از آنهاست (انجیل متی).

عید سعید میلاد مسیح پیامبر عظیم‌الشان که برای طرفداری مظلومان و برقراری عدل و رحمت مبعوث و با گفتار آسمانی و کردار ملکوتی خود، ظالمان و ستمکاران را محکوم و مظلومان و مستضعفان را پشتیبانی فرمود، بر ملت‌های مستضعف جهان و ملت مسیح و مسیحیان هم‌میهن مبارک باد. همان‌ای پدران کلیسا و روحانیان تابع حضرت عیسی، به پاخیزید و از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران پشتیبانی کنید و برای رضای خدا و پیروی دستور حضرت مسیح یک بار ناقوسها را در معابدتان به نفع مظلومان ایران و محکوم نمودن ستمگران به صدا درآورید.<sup>۵۵</sup>

حضرت امام در این پیام، مسیحیان را به طرفداری مظلومان و مستضعفان و برقراری عدل و رحمت و دوری و بی‌زاری از ظالمان و ستمکاران که مشترکات آموزه‌های دین اسلام و دین مسیحیت است، فرا می‌خواند. ایشان در دیدار با کلیمیان و زرتشتیان و مسیحیان ایران، با استناد به رسالت انبیای الهی در نفی ظلم و رفع تبعیض و بر افراشتن پرچم توحید و عدالت و تهذیب اخلاق مردم، آنها را به این مشترکات دعوت می‌نماید.<sup>۵۶</sup>

طهری



## ۸. پرهیز از مسائل تفرقه‌افکن

از راهکارهای مهم همبستگی، پرداختن به مسائل و پرهیز از امور تفرقه‌افکن است. امام تقّی به مصالح امت اسلامی همواره توجه می‌کرد و از حرکاتی که فایده‌ای جز ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان ندارد به شدت پرهیز می‌نمود. یکی از اموری که امروزه برخی از عوامل تفرقه‌افکن خارجی در جوامع اسلامی دامن می‌زنند و عده‌ای از بی‌خبران داخلی نیز آن را تکرار می‌کنند، مسئله خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. امام در یکی از سخنانشان می‌فرماید: «امروز سر خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام اختلاف کردن، خیانت به اسلام است.»<sup>۵۷</sup>

و همچنین در پیامهایی که برای حجاج ایرانی می‌فرستند، می‌فرماید:

لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانیه که موجب تفرقه صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهایی مخالف رویه اجتناب نمایند.<sup>۵۸</sup>  
در وقتی که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی نماز جماعت منعقد شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.<sup>۵۹</sup>

از نظر حضرت امام تقّی، پرهیز از اختلاف و تمسک به وحدت و همبستگی مسلمانان به قدری اهمیت دارد که در فتوایی می‌فرماید: «در وقوفین متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است اگر چه قطع به خلاف داشته باشید.»<sup>۶۰</sup>

## ۹. ایجاد حکومت اسلامی

از کاربردی‌ترین راهکارهای وحدت، اقدام عملی در جهت ایجاد وحدت و همبستگی است. وحدت با آرزو و تخیل انجام نمی‌پذیرد. اگر واقعاً می‌خواهیم به وحدت حقیقت دست یابیم، باید بکوشیم در عمل وارد صحنه شویم و گامهای عملی و کاربردی در این زمینه برداریم. تشکیل حکومت اسلامی یکی از این اقدامات عملی است. حضرت امام تقّی می‌فرماید:

ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولتهای دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن، حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است بوجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمانان است، چنان که حضرت زهرا علیها السلام در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به اتحاد است.<sup>۶۱</sup>

## ۱۰. اهتمام به امور مسلمانان در جهان

مسلمانان باید به سرنوشت همدیگر حساس باشند و به مصائب و مشکلاتشان ابراز

احساسات نمایند. مسلمانان خارج از حوزه جغرافیای خاص خودشان، به امور مشترک دینی و باورهای ایمانی خود اهتمام به خرج دهند. حضرت امام با تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز «جهانی قدس» و «روز اسلام»، اهتمام خاص خود به امور مسلمانان را نشان دادند و نقطه عطفی در اتحاد میان مسلمانان جهان ایجاد کردند که هر روز و هر سال بر عظمت و ابهت این روز افزوده می‌شود. امام در این باره می‌فرمایند:

روز قدس، روز اسلام است. روز قدس، روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود. روز قدس، روزی است که باید به همه ابرقدرتها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره به واسطه عمال خبیث شما واقع نخواهد شد.<sup>۶۲</sup>

### ۱۱. بیداری و قاطعیت در برابر دشمنان و تفرقه‌افکنان

از نظر حضرت امام ره بیداری در مقابل دشمن، آگاهی از توطئه‌ها و برنامه‌های تفرقه‌افکنانه آنان و برخورد قاطع و دندان‌شکن با آنها، موجب اتحاد و همبستگی مسلمانان می‌گردد. موضع بسیار به حق امام با فتوای تاریخی و برخورد قاطع مبنی بر حکم ارتداد و اعلام حکم قتل سلمان رشدی که مورد اتفاق همه فرق مسلمانان است، باعث احیای اسلام و اتحاد مسلمانان در برابر دشمنان شد. پرداختن به این گونه امور از مسائلی است که مسلمانان را می‌تواند گردهم آورد و ریشه اختلاف و پایه توطئه دشمنان را از بن برکند.

### ۱۲. ایمان به هدف و بیداری امت اسلامی

یکی از راهکارهای وحدت این است که ما به هدف امیدوار باشیم، ایجاد وحدت امت اسلامی و بیداری جوامع مسلمان از خواب غفلتی که آنان را فرا گرفته است، برای ما خواب و خیال نباشد، بلکه آن را هدف تحقق یافتنی و در دسترس بدانیم.

امام با تمام وجود و با الهام و اعتقاد به وعده اجتناب‌ناپذیر الهی مبنی بر پیروزی مستضعفان بر مستکبران و امامت و رهبری آنان بر روی زمین، اولاً خود ایمان راسخ به آینده و تحقق وعده الهی و پیروزی و بیداری ملل مستضعف دارند، ثانیاً، با تکیه بر ایمان و اعتقاد محکم خویش، همواره ملل اسلامی و مستضعف جهان را امید به پیروزی و آینده‌نگری می‌دهد و همیشه از «آینده روشن» و «بیداری امت اسلامی» و همبستگی و اقتدار آنان به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر و امید بزرگ یاد می‌نماید و مکرر به این حقیقت اشاره می‌کند. ایشان در سخنانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید: «خداوند پیروزی مستضعفین بر مستکبرین را وعده کرده و آنها را امامان روی زمین قرار خواهد داد و این وعده الهی نزدیک است و امیدواریم ما شاهد آن باشیم.»<sup>۶۳</sup>

طهری

ایشان همچنین در مناسبت‌های مختلف و در دیدار با گروه‌ها و اصناف مختلف جامعه، به این حقیقت اشاره می‌نماید. در دیدار اعضای جنبش امل، اواخر سال ۱۹۸۰،<sup>۶۴</sup> در پاسخ به نامه گروهی از دانشجویان مسلمان در اروپا،<sup>۶۵</sup> در دیدار با افسران پاکستانی، اوایل سال ۱۹۷۹،<sup>۶۶</sup> در جمع خانواده‌های شهدا،<sup>۶۷</sup> در پیامی به انجمن اسلامی دانشجویان در کانادا و آمریکا،<sup>۶۸</sup> در پاسخ به پیام دهمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا،<sup>۶۹</sup> و... از قیام همگانی مستضعفان جهان، بیداری ملل اسلامی، پیروزی مستضعفان بر مستکبران، زمینه‌سازی حکومت جهانی مهدی آخرالزمان (عج)، تحقق وعده تخلف‌ناپذیر الهی و به انزوا کشیده شدن قدرتهای شیطانی، یاد می‌کند.

### برآمد

با عنایت به آموزه‌های دینی و آثار عملی وحدت و انسجام اسلامی، ضرورت این امر روشن و بدیهی است و به نظر می‌رسد لزوم تلاش برای تحقق عملی وحدت و دوری از تفرقه، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد و محل هیچ نوع تأمل و بحثی نیست. اما به دلیل برخی از زمینه‌های تفاوت، چه در عقاید و اصول و چه در احکام فرعی، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که وحدت بر چه محور و مبنایی و چگونه انجام شود و راهکارهای تحقق وحدت چیست. اندیشمندان و نخبگان فکری جهان اسلام بسیار کوشیده‌اند که راهکارهای مؤثری در این زمینه ارائه دهند و راه عملی وحدت را هموار سازند. بدون شک از جمله برجسته‌ترین فرهیختگان علمی و عملی این میدان، دو دانشمند مبارز، امام خمینی رحمته الله علیه و سیدجمال‌الدین رحمته الله علیه هستند که هر دو تلاش‌های بی‌شماری برای تقریب امت اسلامی و برقراری مجد و عظمت اسلام، انجام دادند و سعی بلیغی برای رفع تفرقه کردند و راهکارهای عملی و مؤثری برای تحقق وحدت و انسجام اسلامی ارائه نمودند.

اگر بخواهیم راهکارهای سیدجمال‌الدین را به صورت خلاصه ترسیم کنیم، می‌توانیم بگوییم ایشان طرح بسیار جامع و فراگیری را در دستور کار علمی و عملی خویش قرار داد. از یک طرف با دولت‌ها ارتباط برقرار نمود و طرح ایجاد «وحدت از بالا» را سر مشق فعالیت‌های خود قرار داد. او در این عرصه «طرح ائتلاف و تقریب دولت‌های مسلمان» و «ایجاد حکومت واحد اسلامی» را ارائه داد و برای تحقق عملی آن پیگیری‌های بسیار فعال و مصراانه را با دستگاه خلافت عثمانی نیز آغاز نمود. از طرف دیگر، به ملت رو آورد و به طرح ایجاد «وحدت از پایین» دلخوش کرد و به نخبگان علمی و دانشمندان چشم دوخت و راهکارهایی همچون «همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی»، «ایجاد مرکزیت دینی و گفتمانی» و «سازماندهی درجات علمی و

وظایف علما» را برای این قشر ارائه نمود و از زاویه دیگر تنها به اسلام اندیشید و راهکارهای «اتحاد بر محور قرآن» و «بازگشت به اسلام راستین» را مطرح نمود. چون هیچ نوع فعالیت اجتماعی بدون تشکیلات به سامان نمی‌رسد، لذا راهکارهای «ایجاد تشکیلات» و «ایجاد کنگره و مؤتمر اسلامی» را نیز ضمیمه راهکارهای خود نمود تا طرح جامع ایشان به طور کامل فراگیری خود را حفظ کند. از این لحاظ که رسیدن به هدف، مستلزم رفع موانع است، ایشان راهکار دیگری با عنوان «شناسایی عوامل تفرقه و طرد و نفی آنها» را نیز به راهکارهایش افزود. حتی اگر سید در اجرای تمام طرحها و راهکارهای خود به موفقیت کامل دست نیافته باشد، می‌توان گفت حرکت و راهکارهای بسیار مؤثر وی سه نتیجه روشن و قابل توجه را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد: ۱. باعث تقویت روح اتحاد و اخوت مسلمانان جهان اسلام گردید؛ ۲. موجب رشد و شکوفایی حرکتها و جنبشهای طرفدار اتحاد اسلامی شد و ۳. از همه مهم‌تر پیروانی برجسته‌ای چون کواکبی، رؤسای الازهر، شیخ عبدالقادر مغربی، اقبال لاهوری و... پیدا کرد که هر یک طلایه‌دار اتحاد اسلامی شدند و راه و آرمان سید را پس از وی دنبال کردند.<sup>۷</sup>

گرچه تمام راهکارهای حضرت امام تقید برای تحقق وحدت و همگرایی اسلامی در یک مقاله مختصر نمی‌گنجد، اما کلیت آن را می‌توان به صورت خلاصه ارائه داد. ایشان همچون سیدجمال‌الدین، یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را «ایجاد حکومت اسلامی» می‌دانست. حضرت امام برای تحقق این راهکار دست به دامن و آستان حاکمان هم‌عصر خود نگردید، بلکه در یک حرکت استثنایی و بی‌نظیر، حکومت غیراسلامی، ظالم و غاصب دوران خودش را سرنگون ساخت و به دست خود حکومت اسلامی تأسیس نمود و اصل «ولایت فقیه» را پشتوانه نظری آن قرار داد که ولایت عام، مشروعیت سیاسی و متصدی بودن خود در امور را به ولی مطلق و حاکم یگانه پیوند می‌زند. این حکومت اگر می‌خواست به وحدت اسلامی برسد، «رهبری واحد» می‌طلبد؛ لذا حضرت امام، نخستین و مهم‌ترین راهکار خود برای تحقق همگرایی اسلامی را «رهبری واحد» معرفی نمود. در سایه رهبر واحد است که راهکارهای دیگر روح می‌گیرد و کارایی خود را حفظ می‌کند.

امام خمینی تقید همچون سیدجمال‌الدین به کارهای تشکیلاتی عنایتی خاصی داشت و «برنامه‌ریزی و انجام کارهای تشکیلاتی» را جز راهکارهای مؤثر همگرایی می‌شمرد. تمام فعالیتهای عملی ایشان در براندازی حکومت چند صدساله طاغوت، نشان از برنامه‌ریزی دقیق و انجام کارهای پیشرفته تشکیلاتی است. یک دسته از راهکارهای امام تقید با توجه به دشمن و منشأ اختلاف است. نگاه ژرف‌بین امام خمینی تقید از سطح و ظاهر عبور می‌کند و عمق مطلب را می‌کاود و بدین‌سان راهکار «شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف» را مطرح می‌سازد و از

طرح

سال هفتم - شماره ۲۵ - بهار ۱۳۸۷

«مسائل تفرقه‌افکن» بر حذر می‌دارد و درباره «دشمنان و تفرقه‌افکنان» هشدار می‌دهد و «بیداری و قاطعیت در برابر آنان» را یادآوری می‌نماید. به صورت کلی، به «ایمان به هدف و بیداری امت اسلامی» تأکید می‌کند و «اهتمام به امور مسلمانان در جهان» را از دیگر راهکارهای وحدت بر می‌شمارد و به مسلمانان توصیه می‌کند که برای تحقق وحدت و همگرایی «احترام متقابل» داشته باشند و «از اهانت» به همدیگر خودداری نمایند و به جای طرح مسائل تفرقه برافکن «تمسک به مشترکات» داشته باشند. حضرت امام تقّه نقش نخبگان و فرهیختگان را برجسته می‌داند و از نویسندگان دعوت می‌نماید که برای تحقق وحدت و همگرایی دست به قلم شوند و جامعه اسلامی را به وحدت و همدلی فرا بخوانند.

به طور کلی می‌توان گفت، حضرت امام تقّه نیز همچون سیدجمال‌الدین درد و ضعف ملت اسلامی را در تفرقه می‌داند و مجد و عظمت را در وحدت و همدلی. بدین سان راهکارهای مؤثری برای تحقق همگرایی و همدلی ملت اسلامی ارائه می‌دهد و خود نیز پای در میدان می‌نهد و بسیاری از آن راهکارها را تحقق می‌بخشد و جامه عمل می‌پوشاند. راهکارهای حضرت امام نیز، چنان که بیان شد، راهکارهایی فراگیر است و از دولت گرفته تا تک‌تک افراد را در بر می‌گیرد و برای آنها وظیفه معین می‌کند. در این سازکار، نخبگان، فرهنگیان و اهل قلم باید به بیداری ملت بپردازند، سیاستمداران به تشکیل حکومت اسلامی بیندیشند و تک‌تک افراد جامعه با چشم باز و با دقت و ژرف‌اندیشی دشمنان و دوستان خود را بشناسند و با ایمان به هدف و تحقق بیداری امت اسلامی حرکت و جوشش همگرایی را آغاز نمایند. در این ساختار و این راهکار تفاوتها نادیده گرفته نمی‌شود. مسلمانان می‌توانند با زبان و بیان نرم و احترام متقابل تفاوتها را مطرح کنند و از اهانت به دیگری به شدت پرهیز نمایند، تا زمینه گفت‌وگو و در نتیجه اخوت و همدلی مهیا گردد. در این صورت است که امت واحده اسلامی تحقق خواهد یافت.

## پی‌نوشتها:

۱. رک: واقفی، صدر، سیدجمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸، ص ۱۱۲ به نقل از مجله المنار، جزء ۲، ص ۱۳۱.
۲. سیدجمال‌الدین، محمد عبده، العروة الوثقی، بیروت: دارالکتب العربی، مقدمه، ص ۱۳؛ حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، تهران: انتشارات قلم، ص ۳۸.
۳. سیدجمال‌الدین، مقالات جمالیه، کوشش ابوالحسن جمالی، تهران: طلوع آزادی، ۱۳۵۵، ص ۷.
۴. واقفی، صدر، پیشین، ص ۴۴.
۵. آهنگ، محمد کاظم، سیر ژورنالیزم در افغانستان، ج ۱، کابل: انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادمی، ۱۳۴۹، ص ۵۶ و ۷۱-۷۰؛ غبار، غلام‌محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، تهران: انتشارات جمهوری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۵۴.
۶. آهنگ، پیشین، ص ۷۰.
۷. مجله کابل (مقاله جبرانی) سال اول، شماره ۲، ص ۳۵ و مجله کابل (قاسم رشتیا) سال ۹، شماره ۱۰، ص ۱۸ به نقل از: خط سوم ش ۳-۴ ص ۶۸
۸. محیط طباطبایی، محمد، نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۶۲.
۹. طباطبایی، پیشین، ص ۳۹.
۱۰. رئیس کرمی، سیدعلی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و همبستگی جهان اسلام، زاهدان: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، معاونت سیاسی و اجتماعی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱.
۱۱. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران: امیر کبیر ۱۳۸۵، ص ۸۳.
۱۲. عنایت، پیشین.
۱۳. رئیس کرمی، سیدعلی، پیشین، ص ۱۳۲.
۱۴. محیط طباطبایی، محمد، پیشین، ص ۹۸.
۱۵. پیشین، ص ۹۹.
۱۶. احمد امین، زعماء الاصلاح فی عصر الحدیث، بیروت: دارالکتب العربی، ص ۸۲.
۱۷. سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، با مقدمه خسرو شاهی، ص ۸۰.
۱۸. پیشین، صص ۱۱۰، ۱۰۶، ۷۹، ۷۳، ۶۷.
۱۹. محیط طباطبایی، پیشین، ص ۳۸.
۲۰. عنایت، حمید، همان، ص ۱۰۳.
۲۱. احمد امین، زعماء الاصلاح، ص ۸۴؛ سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، مقدمه، ص ۲۹.
۲۲. سیدجمال‌الدین حسینی، نامه‌ها و اسناد سیاسی - تاریخی، اعداد و تقدیم سیدهادی خسروشاهی، قاهره: مکتبه الشروق الدولية، ۲۰۰۲/۱۴۲۳.
۲۳. سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، ص ۷۲-۷۳؛ احمد امین، زعماء الاصلاح، ص ۸۴.
۲۴. همان، ص ۱۰۹؛ احمد امین، زعماء الاصلاح، ص ۸۴.
۲۵. همان، با مقدمه خسروشاهی، ص ۱۹-۲۰.
۲۶. پیشین، ص ۳۳-۳۵.
۲۷. پیشین، ص ۳۵.

طرح

سال هفتم - شماره ۲۵ - بهار ۱۳۸۷

۱۷۶

۲۸. پیشین.
۲۹. پیشین.
۳۰. پیشین.
۳۱. پیشین، ص ۳۴-۳۵.
۳۲. مهدوی، اصغر و ایرج افشار، مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سیدجمال‌الدین، تهران: دانشگاه تهران، ص ۶۳ سند شماره ۲۱۶.
۳۳. پیشین، ص ۶۴-۶۳.
۳۴. احمد امین، زعماء الاصلاح فی عصر الحدیث، ص ۸۱-۸۰.
۳۵. پیشین، ص ۸۲.
۳۶. سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، ص ۳۵.
۳۷. همان، ص ۶ مقاله اول.
۳۸. واتقی، صدر، سیدجمال‌الدین حسینی پایه گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۱۱۲؛ به نقل از مجله المنار، جزء ۲، ص ۱۳۱.
۳۹. سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، ص ۳۴.
۴۰. رک: همان، ص ۱۰۶-۱۱۰.
۴۱. مهدوی، اصغر و ایرج افشار، مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سیدجمال‌الدین، تصویر ۲۶ و ۲۷؛ محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، ص ۲۷۲-۲۸۰.
۴۲. رک: رشتیا، سیدقاسم، سیدجمال‌الدین افغانی و افغانستان، مؤسسه انتشارات بیهقی، ص ۹۹؛ دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، انتشارات جاویدان، ج ۱، ص ۹۹.
۴۳. رک: خان ملک ساسانی، سیاست‌گران دوره قاجار، تهران: انتشارات بابک، ص ۲۰۳؛ رشتیا، سیدقاسم، سیدجمال‌الدین افغانی و افغانستان، ص ۱۰۵؛ محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، تهران: اقبال، ج ۵، ص ۱۵-۱۶.
۴۴. رک: محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، ص ۹۳-۱۲۸، زندگی‌نامه اجمالی عده‌ای از افراد فوق را آورده است.
۴۵. امالی مفید، ج ۱، ص ۱۴، مجلس ۲، حدیث ۲.
۴۶. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۹۹.
۴۷. پا به پای آفتاب، ج ۴، ص ۴۳.
۴۸. صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۶۰، تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۴.
۴۹. همان، ج ۱، ص ۲۱، تاریخ ۲۳/جمادى‌الاولی/۱۳۶۳.
۵۰. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۹۹.
۵۱. پیشین، ص ۱۴۹.
۵۲. پا به پای آفتاب، ج ۴، ص ۴۳.
۵۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۲۵، تاریخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۴.
۵۴. پیشین.
۵۵. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۷۵-۳۷۷، تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲.
۵۶. همان، ج ۱۷، ص ۹۸، تاریخ ۱۳۶۱/۸/۲۷.

۵۷. همان، ج ۸، ص ۴۸۱، تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۵.
۵۸. همان، ج ۱۰، ص ۶۱، تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۹.
۵۹. مناسک حج، ص ۲۵۷.
۶۰. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۶۲، تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۹.
۶۱. ولایت فقیه، ص ۲۷.
۶۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۷، تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵.
۶۳. امام خمینی، سخنان، ج ۱، ص ۲۴.
۶۴. همان، ج ۱۵، ص ۲۶۰.
۶۵. همان، ج ۶، ص ۲۸.
۶۶. همان، ج ۱۰، ص ۶۹.
۶۷. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۱.
۶۸. همان، ج ۸، ص ۶۰.
۶۹. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱، ص ۱۰.
۷۰. رک: محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، ص ۹۳-۱۲۸. وی زندگی‌نامه اجمالی عده‌ای از افراد فوق را آورده است.



طهر

سال هفتم - شماره ۲۵ - بهار ۱۳۸۷